

پیامبر گرامی اسلام (ع):

سلام (و جواب آن را) آشکار کنید

(یعنی شنیده شود) تا بین شما

دوستی برقرار شود.

نهج الفصاحه، ترجمه علی اکبر میرزایی، چاپ هفتم ۲۱۸۳



طلوع روزنامه فرهنگی، سیاسی، اجتماعی، ورزشی
 صاحب امتیاز، مدیر مسوول و سردبیر: محمد مهدی جعفری زاده
 شماره استاندارد بین المللی روزنامه طلوع (شابا): ۸۰۰۲-۵۸۷۳-5873-8002 ISSN
 حساب جاری سپهر ۰۱۴۵۵۸۳۷۰۰ بانک صادرات شیراز - شعبه سه راه بهار به نام روزنامه طلوع
 شیراز: خیابان انقلاب (نادر) - نیش پارک انقلاب - مجتمع روز - طبقه اول
 تلفن: ۰۷۱-۳۲۳۴۴۷۷۲-۳۲۳۴۴۷۷۱ فاکس: ۳۲۳۴۴۷۷۱
 کازرون: خ قدمگاه - پایین تر از تقاطع امیر کبیر ۰۷۱-۴۲۲۹۲۲۴۶
 چاپ و صفحه آرایی: روزنامه طلوع
 چاپ: نجف زاده شیراز

پاستا به زودی به شبکه نمایش می آید



سریال کمدی - درام «پاستا» محصول سال ۲۰۱۰ کره جنوبی، که در ۲۰ قسمت ساخته شده است به زودی به شبکه نمایش می آید. ستو یوکیونگ - با گویندگی مریم رادپور - به عنوان دستیار آشپز در رستورانی ایتالیایی کار می کند. او پس از مدتی به آرزوی می رسد و دستیار سرآشپز پاستا می شود. سرآشپز چوی هیون ووک است که کارش را در ایتالیا یاد گرفته و یکی از بهترین سرآشپزهای کره است. چوی هیون ووک که به جای سرآشپز اخراج شده آمده تصمیم می گیرد تمام زنان سرآشپز رستوران را اخراج کند. عقیده وی این است که زنان نباید در آشپزخانه او باشند. یک روز هم نوبت ستو یوکیونگ می شود و این موضوع ماجراهایی را پدید می آورد. به گزارش روابط عمومی رسانه ملی، سریال پاستا با مدیریت دوپلاز افشین زینوری و صدا پیشگی رضا آقنابی، ناصر احمدی، امیر حکیمی، شایان شام بیاتی، سعید شیخ زاده، بهروز علیمحمدی، ژیلآ آژیر، نازنین یاری و مریم جلیلی به زودی از شبکه نمایش پخش خواهد شد.

درباره «این سیب هم برای تو» آخرین ساخته سیروس الوند فیلمی که قرار نبود بخنداند...

این که سینمای ما بلد نیست فیلم عاشقانه تولید کند خیلی هم ادعای بی ربطی نیست. ژانر عاشقانه محترم است البته اگر برخی فیلمسازان دست از سرش بردارند و این فرم سینمایی را بر سر قهقهه ای کشش بی محتوا خراب نکنند. انگار عده ای دوست دارند این نوع آثار را به فیلم دختر - پسری محدود کنند و این یعنی یک تعریف عاجز از این ژانر. اینقدر فیلم عاشقانه ندیده ایم و فیلم بد به خورد مخاطب داده اند که حالا حالا باید توقعی از این ژانر داشت. جالب تر این که فیلمسازان ما تا فیلمنامه شان تم عشق (به زعم خودشان) و به زعم ما از جنس همین دعاها یا دوست داشتن های لوس می گیرند، مدعی می شوند کار من خود فیلم رمانتیک و اینهاست و «من آمم که رستم بود پهلوان!»

حالا تصور کنید این نوع فیلمها را آنهایی بسازند که به اصطلاح موی سبب سینما هم باشند؛ فاتحه را دیگر باید خوانند. ای کاش برخی کارگردانان که سن و سالی نیز ازشان گذشته است، برای حرمت خودشان هم که شده کمی با احتیاط فیلم بسازند تا نشود فیلمی مثل «این سیب هم برای تو».

باید بی تعارف گفت سیروس الوند با تمام احترامی که برایش باید قائل بود ولی فیلم خوبی نساخته. این سیب هم برای تو هیچ چیزی در بساط ندارد؛ نه این که فقط فیلمنامه اش بد باشد، بلکه همه جوهره بی ریخت است حتی در اسم بی ربطش. راحت بگویم که داستانش بیش از همه روی مخ بیننده است؛ «دو دختر که رفیق اند، اما نامزد یکی می شود همسر دیگری!»، چقدر سینمای سالهای خیلی قبل، بخصوص فیلمفارسی ها سراغ این طور داستانها می رفتند. تصور کنید همین قصه نجسب با یک طراحی ضعیف در نوشتار و بعد ساختار نیز همراه باشد. اصلا درباره این فیلم نباید از بودن یک متن شسته رفته حرف زد، چون اصلا فیلمنامه خوبی ندارد. هیچ ارتباطی هم با خط قرمز داستانی آن ندارد (وگرنه مثال نقضش وجود دارد مثل فیلم خوب «شبهای روشن»)

اما در مورد فیلم سیروس الوند، انگار یک داستان بچگانه مکتوب است که حسی هم به خواننده اش دست نمی دهد. وای به الان که به تصویر تبدیل شده! قصه بی رمق می تواند فیلم شود؟

نوع نوشته ها جذاب است؛ و کسی دنبال دیدن اینچور نیست. چقدر هم با واقعیت انگار حاصل فضای ذهنی که تماشاگر الان را مثل یک کودک چند ساله

می بیند که می خواهد با اسم یکی دو تا بازیگر یا قیافه فلانی به سالن ها بکشاند. حتی نباید هم حرفی از پردازش کاراکترها و اصطلاحاتی مثل تیپ و شخصیت زد چون در این سیب هم برای تو بی معنی است. چیزی به اسم کاراکتر (نه بازیگر) نمی بینم که کارگردان و نویسنده بعدها خواهد آن را هم تعریف کند و وجه تمیزی برایش داشته باشد. در این اثر بازیگران فقط جلوی دوربین راه می روند و ژست می گیرند. شما به طور مثال طراحی کاراکتر بزمان بازی را برانداز کنید؛ یا این که چرا باید جنگیز جلیوند در یک فیلم نسبتا جدی مثلا عاشقانه، تیبی به ظاهر طنز، به خودش بگیرد و هر بار که سر و کلاهش پیدا می شود عایدی جز خنده از طرف بیننده ندارد. متن و بازیها به کنار متأسفانه کارگردانی اثر هم نشانی از کارگردانی حرفه ای ندارد.

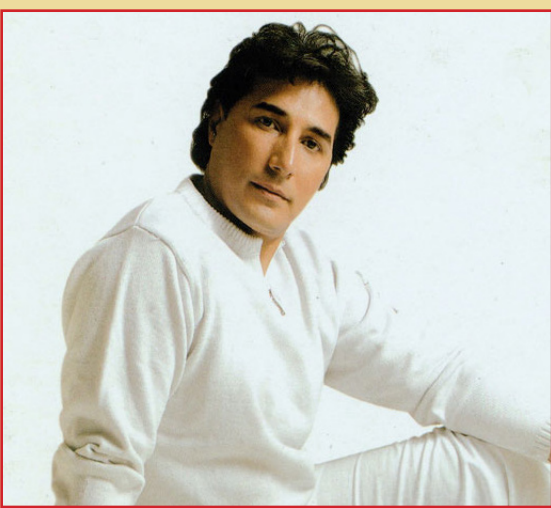
وقتی بیشتر بچه های سینمای ما مدعی هستند فیلمنامه ها ضعیف اند و آبی ازشان گرم نمی شود؛ خوب اگر این طور است و بیشتر قصه ها در متن و بعدها در دکوپاژ سینمایی، هیچ چیزی برای ارائه ندارد، چرا توی بازیگر و کارگردان سراغش می روی؛ خوب ساز، بازی نکن و مخاطب را هم به سخره نگیر لطفا.

این سیب هم برای تو چه دارد که باید ساخته می شد جز این که پول و اعتبار و هیاهوی یک پروژه سینمایی خرج یک تله بنود. به خاطر اسم کارگردانش نیز اکران گرفته و جای یک فیلم را اشغال کرده، مگر جز این است. انگار باید گاه بیدیریم موج تمام شدن برخی سینماگران قدیمی از خیلی وقت پیش با فیلم هایشان کم کم دارد علنی می شود. اگر البته به قیایان بر نمی خورد می توانید بیرون گود بمانید و همان نقش پیشکوت را داشته باشید. جز این که بخواهید با فیلم هایتان، به جای فیلم کمدی، این بار با یک فیلم جدی مخاطب سینما را بخندانید و شاد کنید!

اگر امروز بر این باوریم که جمعیت سینما را، شاید در حد یک میلیون نفر است که در نهایت از این سالن می رود، دست می خورد، دلایل ندارد جز ساخت و اکران فیلم های غیرواقع و غیرمقبول. سینما برخلاف گفته اهالی اش اتفاقا آمل مردم نیست، بلکه برایشان یک تفریح سالم است. جایگزین هم برایش دارند. اگر فیلم خوب نباشد که انگار کم است، متأسفانه براحتی قیدش را می زنند. نگاهی به آمار گیشه و صندوق های خالی سالها بیندازید تا به این حرف برسید.



کپی کوتاه با «مجتبی کبیری» خواننده پاپ دهه ۷۰



مجتبی کبیری گفت: خیلی ها فکر می کنند که در فعالیت های هنری من وقفه افتاده است، در صورتی که این گونه نیست.

این خواننده پاپ که آلبوم «اتاق ساکت» از او به زودی منتشر می شود، درباره ی وقفه افتادن در فعالیت های موسیقی اش، اظهار کرد: من در سال ۹۲ آلبوم «شب و روز» را منتشر کردم که با تیراژ ۱۰۰ هزار نسخه به بازار عرضه شد؛ اما از آنجا که این اثر پخش خیلی خوبی نداشت، متأسفانه دیده نشد.

او که در دهه ی ۷۰ فعالیت پررنگی داشت، ادامه داد: این آلبوم در شهرستانها پخش مناسبی داشت و من از پخش این اثر در تهران راضی نبودم. در این وقفه ی دو ساله هم می خواستم سر فرصت و بدون هیچ دغدغه ای روی یک اثر جدید کار کنم. من عادت دارم با آرامش و احتیاط اثر تولید کنم و این مدت که حضور نداشتم روی «اتاق ساکت» کار می کردم.

کبیری در بخش دیگری از سخنانش اظهار کرد: دیدگاهم به آثار روان شناسانه نزدیک است و در تعامل با مخاطب این موضوع را در نظر می گیرم. خیلی ها هنوز آلبوم های «ساز مخالف» و «نیم نگاه» را به یاد می آورند و دوست دارند، فضای کاری ام همچنان همان گونه باشد. فکر می کنم، رنگ های آن اثر به دل مردم نشست است. با این حال، در اثر جدیدم روی بحث ترانه و موسیقی تمرکز کرده و طبق صحبت های که با دوستان کارشناسم داشتم، آن ها این آلبوم را مثبت ارزیابی کردند. فکر می کنم «اتاق ساکت» کار خوبی از آب درآمده باشد. در این اثر، به بخش آهنگسازی وارد شده و برای چند قطعه هم ملودی ساختم.

این خواننده در پاسخ به این پرسش که شباهت رنگ صدای او با یک خواننده ی لس آنجلسی چقدر بر کار هنری اش تأثیر گذاشته است؟ گفت: اگر توجه داشته باشید، در آن سالها که من کار را شروع کرده بودم، در میان خوانندگان پاپ رنگ صدایی متنوعی وجود نداشت. آن زمان هنرمندانی مانند یاور اقتداری، خشایار اعتمادی، امیر تاجیک و قاسم افشار فعالیت داشتند که صدای خیلی از آن ها برای مخاطب تداعی ذهنی ایجاد می کرد. البته همه ی آن ها صدایی بسیار سالم داشتند که برای مخاطب جذاب بود.

وی افزود: وقتی آلبوم های «ساز مخالف»، «معرکه» و «نیم نگاه» منتشر شدند، بسیاری از مردم می خواستند که این رنگ صدا در خاطراتشان نقش ببندد و فکر می کنم در ارتباط گرفتن با مخاطب بسیار موفق بودم. آثار من حتی در روابط آدم ها هم تأثیر مثبتی داشت. کبیری اظهار کرد: شباهت صدایم با یک خواننده ی مشهور لس آنجلسی ناراحت نمی کرد. حتی شبکه های ماهواره ای هم در آن سالها درباره کارهای من بحث می کردند و یک خواننده ی لس آنجلسی نیز قطعه ی «دروغی» من را خواند؛ معنی اش این است که هنرمندان ایرانی، لس آنجلسی ها را تحت تأثیر قرار دادند. در همان سالها، دفتر موسیقی وزارت ارشاد من را خواست و به من گفتند که ادا در می آورم؛ اما وقتی با آن ها صحبت کردم و صدای عادی من را شنیدند، قانع شدند که ادا در نمی آورم و صدای خودم است. این خواننده در عین حال تأکید کرد: نمی خواهم کسی را زیر سوال ببرم، اما این موضوع را هم در نظر داشته باشید که خیلی از خوانندگان که کارشان را تازه شروع می کنند، اصلا صدای خودشان را نمی شنوید و صدای آن ها با افکت همراه است. متأسفم برای آن آهنگساز و تنظیم کننده ای که با این شیوه کار می کند و تنظیم کننده ی برگزیده ی سال هم می شود.

او درباره ی فعالیت های صحنه ای اش که قرار است به زودی از سر بگیرد نیز توضیح داد: چندی است که با یک دوست مذاکراتی کرده ام و قصد دارم کنسرت هایی را در تهران و سراسر کشور برگزار کنم. قطعا یک تور کنسرت بسیار بزرگ خواهیم داشت و سال آینده، همین موقع اجرا خواهیم داشت.

کبیری معتقد است: امروزه خیلی از خوانندگان از حمایت عواملی خاص برخوردارند؛ در حالی که خوانندگان خوبی مانند حامی، امیر تاجیک، نیما مسیحیا و مانی رهنما هستند که صداهای ارزشمندی هم دارند؛ اگر این حمایت های ناپجا نبود، قطعا فضای موسیقی جذاب تر و قشنگ تر می شد. همچنین برخی افراد با خودشان آدم می برند در کنسرت ها تا هیاهو کنند و به خیال خودشان با این کار حمایت می کنند، در حالی که این یک خیانت به موسیقی است.